

مجید صابر^۱

یکی از موارد مهم دستور کار اجلاس سران تهران، بحث و بررسی پیرامون مسایل مربوط به امنیت، صلح و ثبات و وضعیت نظامی بود. از دستاوردهای مهم اجلاس یاد شده، این توافق بود که باکو به عنوان میزبان بعدی نشست سران، با استفاده از سه طرح موجود و طرحهای احتمالی آنی، پیش نویس یک موافقتنامه پنج جانبه را آماده نماید تا مبنای مذاکرات جمعی فرار گیرد. شایان ذکر است که دریای خزر و منطقه بسیار مهم پیرامون آن، منطقه حساسی است که هم می تواند فرصتی برای کشورهای ساحلی برای بسط همکاریهای دو و چندجانبه تلقی شود و هم به کانونی احتمالی برای بحرانهای فزاینده در آینده مبدل گردد. مقاله زیر ابعاد گوناگون رژیم حقوقی و نگرشهای اقتصادی و امنیتی نسبت به دریای خزر را مورد مطالعه قرار می دهد.

واژگان کلیدی: دریای خزر، امنیت، ایران، کشورهای ساحلی، ثبات.

دومین اجلاس سران کشورهای ساحلی دریای خزر در ۲۴ مهر سال جاری در تهران با حضور رؤسای جمهور پنج کشور ساحلی برگزار گردید. در این اجلاس یک «اعلامیه» به عنوان اولین سند سیاسی بین رؤسای جمهور کشورهای ساحلی به امضا رسید. در این اعلامیه که یک مقدمه و ۲۵ ماده دارد؛ از جمله موارد ذیل در خصوص صلح و ثبات و امنیت ذکر شده است:

۱. طرفها اعلام کردند که دریای خزر باید فقط جهت اهداف صلح آمیز مورد استفاده قرار گیرد و همه مسایل مربوط به دریای خزر بوسیله کشورهای ساحلی از طریق مسالمت آمیز حل و فصل خواهد شد.
۲. طرفها تایید کردند که نیروهای مسلح آنان بمنظور حمله به هر یک از طرفها مورد استفاده قرار نخواهد گرفت.

۱. آقای مجید صابر، رئیس دبیرخانه دریای خزر وزارت امور خارجه می باشد.

۳. طرفها تاکید کردند که در هیچ صورتی به کشورهای دیگر اجازه نخواهند داد تا از قلمرو کشورشان برای تهاجم و سایر عملیات نظامی علیه هر یک از طرفها استفاده شود.
 ۴. طرفها توافق کردند تا تعیین رژیم حقوقی جدید دریای خزر در پهنه آن، باید رژیم‌های توافق شده کشتیرانی، ماهیگیری و تردد کشتی‌ها صرفاً تحت پرچم کشورهای ساحلی خزر براساس تحقق حقوق حاکمه آنها اعمال گردد.
 ۵. طرفها همچنین حق مسلم کلیه کشورهای عضو معاهده «منع اشاعه و تکثیر سلاحهای هسته‌ای» جهت توسعه تحقیقات، تولید و استفاده از انرژی هسته‌ای در مقاصد صلح آمیز بدون تبعیض و در چارچوب مفاد این معاهده و همچنین سازوکارهای آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را مورد تایید قرار دادند.
 ۶. طرفها پایبندی خویش را به توسعه همکاریهای وسیع دوجانبه و چندجانبه در مبارزه با تروریسم، نقل و انتقال غیرقانونی مواد مخدر و سلاح و جرایم سازمان یافته فراملی با استفاده از نقش محوری هماهنگ کننده سازمان ملل متحد براساس رعایت دقیق اصول و موازین شناخته شده حقوق بین‌الملل مورد تایید قرار دادند.
- جمهوری اسلامی ایران به این پهنه آبی منحصر به فرد به عنوان یک فرصت نگاه می‌کند؛ لیکن برخی تحلیلگران بر این عقیده هستند که چنانچه کشورهای ساحلی نتوانند در اسرع وقت به یک ترتیبات امنیتی و انتظامی مربوط به تضمین تداوم صلح و ثبات- متناسب با مقتضیات این پهنه آبی- دست یابند و الگوها و سازو کارهای قابل اجرای قابل قبولی برای مبارزه مشترک با تهدیدهای احتمالی ترسیم نمایند، ناخواسته فرصت تاریخی مقطع کنونی را از دست خواهند داد (۱) و احتمال دارد در ورطه یک آینده نامشخص گرفتار شوند. در این میان جمهوری اسلامی ایران به عنوان کشوری تاثیرگذار، دیگر دول ساحلی را به مذاکره پیرامون مباحث نظامی، انتظامی امنیتی و اعتمادسازی و ثبات ترغیب می‌کند. دریای خزر و منطقه پیرامونی آن، همچنان اهمیت ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک خود در منطقه و جهان را حفظ کرده است. به نظر می‌رسد اهمیت و نقش این پهنه آبی منحصر به فرد حداقل در یک دوره زمانی میان مدت روزافزون هم خواهد بود و علایم متقنی مشاهده نمی‌شود که از شدت این اهمیت در چند سال آینده کاسته شود. شدت علاقه بازیگران مهم منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای این صحنه نیز

شناخته شده هستند و علت و دلایل علاقه و منافع آنان نیز تقریباً قابل فهم می‌باشد و تشریح آنها مجال دیگری می‌طلبد.

از سوی دیگر مسایل این حوزه، علاوه بر سیاستمداران حرفه‌ای، علاقه و اطمینان نظر اندیشمندان دانشگاهی و مراکز آکادمیک را نیز جلب کرده است و رخدادها و تحولات آن به دقت زیر ذره‌بین دیدگان تیزبین قرار دارد.

افزایش تعداد کشورهای ساحلی دریای خزر از دو کشور به پنج کشور، باب مسایل جدیدی را در این حوزه گشوده است. موتور و محرک اصلی این تحرکات در بدو امر انرژی و بهره‌برداری از منابع نفت و گاز و سپس راههای انتقال آن به بازارهای جهانی بوده است. لیکن بلافاصله مقوله‌های نوین دیگری هم طرح گردیدند. لزوم بازنگرایی در رژیم حقوقی پیشین (۲) و تدوین یک رژیم حقوقی جدید که پاسخگوی نیازهای مستحده باشد، ضرورتی بود که سیمای خود را سریع نشان داد؛ لیکن تدوین یا تکمیل این رژیم حقوقی تمام مساله نبوده و نیست. کشورهای ساحلی برای دستیابی به تفاهات جامع، مذاکرات زیادی را به صورت ۵ و یا ۲ جانبه انجام داده‌اند. برگزاری دو اجلاس سران، چهار اجلاس وزرای خارجه و ۲۱ دور مذاکره در سطح معاونین وزرای خارجه و نمایندگان ویژه و چندین دور مذاکرات دوجانبه، در این چارچوب قابل ذکر هستند. این مذاکرات به رغم دستاوردهای بسیار مثبتی که داشته‌اند، هنوز نتوانسته به هدف غایی خود که تدوین کنوانسیون رژیم حقوقی باشد نایل شود. (۳) دریای خزر برای همه کشورهای ساحلی واجد اهمیت است ولی این اهمیت برای همه کشورها به یک میزان و در یک مقوله نیست. برخی از بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، دریای خزر را مترادف با منابع انرژی و نفت و گاز تعریف می‌کنند و از زوایای دیگر غافل هستند (۴) آگاهی از نقش کلیدی امنیت در پیشبرد برنامه‌های توسعه منطقه‌ای بویژه در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی کاملاً قابل درک است.

دریای مازندران (۵) برای ایران به عنوان قدیمی‌ترین تمدن و کشور کناره‌ای و یکی از دو طرف اصلی قراردادهای منعقد در این پهنه آبی که در عین حال بیشترین جمعیت ساحل نشین و زیباترین سواحل و بالتبع بیشترین گردشگران را واجد است. در بادی امر اهمیت زیست محیطی و شیلاتی خود را جلوه‌گر می‌سازد؛ لیکن نظر به اینکه اولاً: ایران در برهه‌هایی از تاریخ، از جانب همسایه شمالی خود بارها مورد تعدی واقع شده

و بیشترین اراضی تاریخی خود را در سواحل شرقی و غربی خزر از دست داده است. و ثبات در اثر اهمال رژیم گذشته از حضور فعال و همه جانبه در خزر محروم بوده است؛ لذا علاوه بر مسایل محیط زیست، شیلات و کشتیرانی، به مباحث نظامی، انتظامی و امنیتی نگاه ویژه‌ای دارد (۶). این امر به همراه لزوم تامین و تضمین امنیت و صلح و ثبات در خزر نیز باعث شده‌اند تا همه نهادهای دولتی و حتی غیردولتی ایران مسایل این حوزه را با دقت و وسواس خاص پیگیری و فعالانه ایفای نقش نمایند.

لزوم نگرش دوگانه امنیتی و اقتصادی به خزر

مسایل انرژی و اقتصادی خزر خصوصا برای سه کشور جمهوری آذربایجان، قزاقستان و ترکمنستان بسیار مهم هستند ولی این امر نباید آنها را از مسایل امنیتی، صلح و ثبات غافل سازد. خزر شاه‌رگ حیاتی کشورهای ساحلی است و هرگونه اهمال در امنیت آن باعث ضررهای جبران ناپذیری خواهد شد. درست است که مفهوم امنیت پس از جنگ سرد دچار تحول گردیده و ابعاد نوینی یافت و امنیت به یک مفهوم چند بعدی مبدل شده ولی این امر نباید به معنی نادیده انگاشتن ملاحظات نظامی، انتظامی و نگرشهای امنیتی تلقی شود. برخی از محققین براین باورند که نگرش و انگیزه‌های ایران و روسیه بیشتر امنیتی است چرا که دو کشور و بویژه روسیه نسبت به تحولات منطقه آسیب پذیرترند و حفظ ثبات و امنیت در منطقه اولویت نخست سیاست‌های دو کشور قرار دارد و سایر موضوعات اقتصادی و سیاسی در درجه دوم اهمیت قرار دارد. (۷) البته باید توجه داشت که این امر برای سه کشور دیگر نیز مصداق دارد و کاملاً حیاتی است چرا که در صورت فقدان ثبات و امنیت، هرگونه تلاش‌های آنان برای جلب و جذب سرمایه خارجی و رشد و توسعه پایدار عظیم خواهد ماند. به نظر می‌رسد در حال حاضر دو موضوع زیرا از مباحث نظامی، انتظامی و امنیتی جلوه بیشتری یافته‌اند: ۱. وضعیت نظامی دریای خزر ۲. ممنوعیت حضور نیروهای ثالث.

وضعیت نظامی دریای خزر

واقعیت امر این است که در حال حاضر در دریای خزر تجهیزات و شناورهای نظامی وجود دارد. تاکنون مواضع کشورهای ساحلی در خصوص نحوه برخورد با این مساله

مختلف بوده است ولی در مجموع این نگرانی مشترک وجود دارد که وجود نیروهای نظامی منجر به رقابتهای تسلیحاتی خواهد شد و از این زاویه علاوه بر سوق دادن خزر به نظامی‌گری، موجب صرف هزینه‌های زیاد برای رقابت‌های تسلیحاتی خواهد گردید. درست است که مسایل انرژی و اقتصادی خزر بسیار مهم هستند ولی از مسایل نظامی-امنیتی نباید غافل شود. دریای خزر شاه‌رگ حیاتی کشورهای ساحلی است و هرگونه اهمال در آن باعث ضررهای جبران‌ناپذیری خواهد شد.

ناوگان نظامی روسیه در دریای خزر در سال ۱۷۷۲ ایجاد شده و قدرتمندترین نیروی دریایی موجود در خزر محسوب می‌شود. این ناوگان تا سالهای متمادی یگانه نیروی دریایی بلامنازع در خزر بشمار می‌رفت. براساس قراردادهای منحوس و نگی‌گلستان و ترکمنچای روسیه حق دارا بودن نیروی دریایی را از ایران سلب کرده بود ولی پس از انقلاب اکتبر و عقد قرارداد ۱۹۲۱ این امتیاز یک طرفه فسخ گردید. (۸) در یک برهه زمانی پس از فروپاشی شوروی، ناوگان روسیه به لحاظ کمی و کیفی تضعیف شد لیکن متعاقب روی کار آمدن پوتین در کرملین، این کشور به بازسازی ناوگان خزر خود پرداخت که مهمترین آن انتقال ناو موشک‌انداز تاتارستان از دریای سیاه به دریای خزر بود. روسیه برای منظوره‌های مختلف برنامه‌های بازدید این ناو از بنادر کشورهای دیگر از جمله باکو، آکناؤ (در قزاقستان) و انزلی را اجرا کرده است. متقابلاً از کشورهای دیگر نیز دعوت کرده است به اقدام مشابه مبادرت کنند و این حرکت را در راستای اعتمادسازی ارزیابی می‌کند. شایان ذکر است که ناو «تاتارستان» روسیه در آبان سال ۸۶ و چند هفته بعد از برگزاری اجلاس سران تهران از بندر انزلی دیدار کرد. این دیدار، اولین بازدید دوستانه یک ناو روس از ایران پس از متجاوز از سه دهه بوده است. روسیه از ایران درخواست کرده که اقدام مشابه انجام دهد.

ناوگان دریایی جمهوری آذربایجان که بازمانده و سهم این کشور از ناوگان دریایی شوروی است، به مراتب قویتر از ناوگان دو کشور قزاقستان و ترکمنستان می‌باشد و در اوایل فروپاشی شوروی پس از روسیه رتبه دوم محسوب می‌شد. این کشور از فرسودگی این ناوگان رنج می‌برد و تلاش دارد با کمک کشورهای غربی و همچنین ترکیه آن را بازسازی و تقویت کند.

بسته بودن دریای خزر و وجود تنها راه ارتباطی خزر با آبهای آزاد (کانال ولگا-دن) و انحصار آن توسط روسیه، بعید به نظر می‌رسد که کشورهای جمهوری آذربایجان، قزاقستان و ترکمنستان با کمک غربیها بتوانند به رقابت بپردازند. کمکهای غرب حداکثر می‌تواند به تشکیل گارد ساحلی و شناورهای بسیار کوچک منجر شود. قزاقستان در مقایسه با سایر کشورهای ساحلی خزر نسبتاً با تأخیر به ایجاد نیروی دریایی خود در خزر اقدام نمود. این کشور در ماه اوت ۲۰۰۴ آغاز مرحله دوم اصلاحات نظامی را اعلام کرد که در برگیرنده تشکیل نیروی دریایی بود.

قزاقستان در نظر دارد در یک برنامه ۱۰ ساله تشکیل نیروی دریایی خود را که شامل تفنگداران دریایی، ناوهای رزمی و واحدهای لجستیکی خواهد بود، تکمیل سازد. ناوگان دریایی قزاقستان با کمک آمریکا، روسیه بریتانیا، روسیه و آلمان ساخته می‌شود. نیروی دریایی ترکمنستان در بندر ترکمنباشی مستقر شده است و به لحاظ کمی و کیفی به هیچ وجه قابل مقایسه با کشورهای دیگر ساحلی نیستند. این کشور به رغم اعلام موضع بیطرفی رسمی و ثبت آن در سازمان ملل، تلاش دارد تا واحدهای نظامی دریایی خزر را توسعه دهد. ترکمنستان از تقویت ناوگان دریایی سایر کشورهای ساحلی احساس نگرانی دارد و در این زمینه اقداماتی را بعمل آورده است. در این راستا تعدادی قایق گشتی از اوکراین خریداری نموده است. آمریکا نیز یک شناور کوچک به ترکمنستان اهداء نموده است. جمهوری اسلامی ایران نیز به نوبه خود اقداماتی درخور انجام داده و در دست انجام دارد که تشریح آن در این مقاله نمی‌گنجد. البته ایران اعتقاد دارد که هرگونه حضور نظامی در خزر صرفاً باید مقاصد صلح‌آمیز صورت بگیرد و منجر به رقابت تسلیحاتی و بی‌اعتمادی بین کشورهای ساحلی نگردد.

ممنوعیت حضور نیروهای ثالث

براساس قراردادهای منعقد شده بین ایران و شوروی (۹)، دریای خزر، دریای ایران و شوروی قلمداد شده و صراحتاً ذکر گردیده که در این دریا به استثنای دو کشور ایران و شوروی، هیچ کشور دیگری حق کشتیرانی و دیگر بهره‌برداری‌ها مانند ماهیگیری را ندارد و هیچ کشتی و شناوری با پرچمی غیر از پرچم این دو کشور حق حضور نخواهد داشت. با فروپاشی شوروی سابق این حق به سه کشور جدید دیگر نیز تسری می‌یابد.

موافقتنامه‌های صریح و روشن که سالهای متمادی رعایت می‌شد و هنوز هم رعایت می‌شود، وضعیت حقوقی دریای خزر به لحاظ قراردادی و حقوقی، در این مورد خاص، جای ابهام ندارد. لیکن برخی اظهارات و اتخاذ مواضع مغایر با این وضعیت توسط بعضی از کشورها، نگرانیهای را ایجاد کرده بود که خوشبختانه در اعلامیه سران تهران، کشورهای ساحلی صراحتاً این موضوع را پذیرفتند و آنرا امضا نمودند. گرچه حتی اگر این اتفاق نمی‌افتاد، باز هم وضعیت ثابت پیشین لازم الاجرا می‌بود. بی‌تردید، هرگونه حضور احتمالی دول ثالث و فرامنطقه‌ای در این دریا بر پیچیدگی وضعیت خزر و بروز تنش خواهد افزود. البته هیچ یک از کشورهای ساحلی دریای خزر نه تنها تمایل رسمی خود برای دعوت و یا حضور دول غیر ساحلی را اعلام نکرده‌اند بلکه در قوانین داخلی خود نیز بر عدم حضور این نیروها تصریح نموده‌اند. از جمله مجلس ملی جمهوری آذربایجان قانونی موافق در این زمینه تصویب کرده که به توشیح رئیس جمهور آذربایجان هم رسیده است.

پیشنهاد ایران: موافقتنامه اعتمادسازی و ثبات در دریای خزر

کشورهای ساحلی خزر در اعلامیه سران تهران و همچنین پیش نویس کنوانسیون رژیم حقوقی بر مواردی مانند: «لزوم استفاده از دریای خزر برای مقاصد صلح آمیز»، «استفاده از دریای خزر در مقاصد صلح آمیز، تبدیل آن به منطقه صلح، حسن همجواری، دوستی و همکاری، حل مسالمت‌آمیز همه مسائلی که به دریای خزر ارتباط دارند» و «عدم توسل به زور و یا تهدید توسل به زور» توافق کرده‌اند. (۱۰) همچنین در همین اسناد توافق کرده‌اند که طرفها به منظور مقابله با تروریسم بین‌الملل و تامین مالی آن، نقل و انتقالات غیرقانونی اسلحه، مواد مخدر و داروهای موثر بر اعصاب و روان، صید و شکار در مناطق ممنوعه، پیشگیری و خنثی سازی انتقال غیرقانونی مهاجرین از طریق دریای خزر و سایر اعمال جنایتکارانه در خزر با یکدیگر همکاری نمایند.

جمهوری اسلامی ایران با توجه به اهمیت این مباحث و توافقات صورت گرفته فوق، پیشنهاد انعقاد یک موافقتنامه ۵ جانبه تحت عنوان «اعتمادسازی و ثبات در دریای خزر» را مطرح و متعاقباً متن پیش نویس این سند را تهیه و به کشورهای ساحلی ارائه کرده است. براساس این پیشنهاد: اولاً باید میان تهدیدهای مشترک احتمالی و حجم تجهیزات و

نیروهای نظامی موجود تناسب وجود داشته باشد، ثانياً وجود یک ساز و کار مناسب و ترتیبات انتظامی، نظامی و امنیتی برای اقدام مشترک، نظارت و تعیین محدودیتهای فوق ضروری است.

ایران با ارائه پیشنهاد فوق براین اعتقاد است که ساز و کار پیشنهادی قطعاً برای اعتمادافزایی و تضمین ثبات، صلح و امنیت خزر چاره ساز خواهد بود. این پیشنهاد مراحل ابتدایی طرح، بررسی و مذاکره را سپری می‌کند، لذا هنوز زود است که بتوان میزان موفقیت آن را ارزیابی کرد. کشورهای روسیه و قزاقستان موافقت اصولی خود برای مذاکره جدی در مورد این سند را ابراز داشته‌اند. روسیه حتی در این چارچوب و جهت اجرایی شدن یکی از بندهای پیشنهاد ایران، درخواست کرده است که کشورهای ساحلی دریای خزر با اختصاص یک شناور، نیروهای واکنش سریع موسوم به «کاسفور» تشکیل دهند تا بتوانند در مواقع اضطراری عکس‌العمل به هنگام نشان دهند. لیکن جمهوری آذربایجان و ترکمنستان موضع نهایی خود درخصوص پیشنهاد ایران را اعلام نکرده‌اند. این دو کشور گفته‌اند که به دلیل مهم و پیچیده بودن این گونه مباحث باید مفاد آنرا به دقت بررسی نموده سپس تصمیم‌گیری خواهند کرد. از سوی دیگر در اجلاس پانزدهم گروه کاری ویژه تدوین رژیم حقوقی که در شهر آستانه، در قزاقستان برگزار شد، پیشنهاد دیگری از سوی میزبان (و تلویحاً در حمایت از پیشنهاد ایران) مطرح گردید که براساس آن، در کنوانسیون رژیم حقوقی، با تمایز بین *non militarization, demilitarization* وجود نیروهای نظامی محدود و متناسب با تهدیدهای احتمالی و مشترک در دریای خزر تلویحاً پذیرفته می‌شود. یکی از دستاوردهای اجلاس سران تهران این بود که باکو به عنوان میزبان بعدی اجلاس سران کشورهای ساحلی دریای خزر، پیش‌نویس سندی را با استفاده از سه طرح موجود تهیه کند تا مبنای مذاکرات گروه کاری و سپس وزرای خارجه قرار گیرد. در صورت اجماع نظر پنج کشور، این سند در اجلاس بعدی روسای جمهور می‌تواند به امضا برسد.

معمولاً کشورهایی که مبادرت به انعقاد قراردادهای دو یا چند جانبه ترتیبات امنیتی (تحت اسامی و عناوین مختلف) می‌کنند، ناگزیر از یکسری توافقات اساسی در زمینه‌های مختلف و نمایش اراده سیاسی قوی برای تعمیق و گسترش هر چه بیشتر روابط دوستانه، درک مسوولیت جمعی برای کمک به اعتمادسازی، حفظ و ارتقای صلح و

امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی به عنوان اعضای ملل متحد و بسط واقعی اصول حسن همجواری فیما بین می‌باشند.

سه کشور جمهوری آذربایجان، قزاقستان و ترکمنستان به تازگی استقلال خود را پس از سالها سلطه کسب کرده‌اند و شدیداً نگران استقلال خود و دخالت قدرت یا قدرتهای خارجی در امور داخلی خود هستند؛ از این رو در موافقتنامه‌های پیشنهادی، تاکید مضاعف بر ضرورت رعایت موازین حقوق بین‌الملل، از جمله احترام به حق حاکمیت، استقلال، تمامیت ارضی، برابری حاکمیت کشورهای ساحلی دریای خزر، عدم توسل به زور یا تهدید به توسل به آن، احترام متقابل، همکاری بین کشورهای ساحلی دریای خزر و عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر امری ضروری است. افزایش اعتمادسازی در منطقه نه تنها مانع رقابتهای نظامی و تسلیحاتی کشورهای ساحلی خزر می‌گردد بلکه با تامین و تضمین امنیت، موجب پیشرفت اقتصادی آنها را تسهیل می‌نماید. از سوی دیگر، وجود تهدیدهای احتمالی مشترک نظیر تروریسم، مواد مخدر، جرایم سازمان یافته و انواع قاچاق، تهدیدی علیه صلح و امنیت کشورهای ساحلی، منطقه و صحنه بین‌المللی خواهند بود. از جمله مزایای انعقاد چنین موافقتنامه‌هایی عبارت خواهند بود از:

- ارتقای اعتماد بین کشورهای عضو
 - افزایش امنیت و ثبات منطقه‌ای
 - پیشگیری و پرهیز از هرگونه تنشهای احتمالی
 - تضمین عدم استفاده از نیروهای نظامی در روابط فیما بین
 - ایجاد شفافیت در فعالیتهای نظامی کشورهای ساحلی
 - کاهش سوء تفاهات
 - ارتقای دیپلماسی پیشگیرانه
 - پرهیز از رقابتهای تسلیحاتی
 - مبارزه مشترک با فعالیتهای غیرقانونی و خرابکارانه و دیگر تهدیدهای مشترک و
 - بسط هماهنگی‌های نظامی، انتظامی و امنیتی در حوزه دریای خزر.
- چنانچه کشورهای ساحلی بتوانند تعهد کنند که دریای خزر (اعم از فضای فوقانی، آب، و بستر و زیر بستر) صرفاً برای مقاصد صلح آمیز قابل استفاده است؛ توافق

پیرامون اینکه؛ هرگونه رهاسازی مواد خطرناک و انفجاری از جمله رهاسازی مینهای دریایی تحت هر عنوان ممنوع بوده و دریای خزر به هیچ وجه نباید مورد استفاده فعالیت نظامی خصمانه و تهاجمی قرار گیرد و ابزار آلات جنگی موجود در دریای خزر نیز صرفاً برای مقاصد صلح آمیز مورد استفاده قرار خواهد گرفت، امری دور از ذهن نخواهد بود.

عدم استفاده از زور و تهدید به استفاده از زور: از جمله مواردی که کشورهای ساحلی دریای خزر بر آن توافق دارند این است که بر اساس اصول منشور ملل متحد و طبق حقوق امره بین‌المللی، از کاربرد زور و یا تهدید به استفاده از زور، یا هر توجیهی، در روابط خود خودداری خواهند کرد. لذا در اسنادی که در این رابطه تهیه خواهد شد، بجا خواهد بود که ذکر شود کشورها همچنین از نمایش توانایی نظامی خود جهت جلوگیری از اجرای حقوق حاکمیتی هر یک از طرفها ممانعت خواهند کرد و کلیه اختلافات خود را صرفاً از طریق مسالمت آمیز و رایزنی‌های مستمر حل و فصل خواهند نمود. (۱۱)

منع حضور طرفهای ثالث: در حال حاضر و براساس رژیم حقوقی موجود، حضور شناورهای کشورهای ثالث تحت هر عنوان در دریای خزر ممنوع است. این مطلب علاوه بر ذکر در اعلامیه سران تهران، در سند «اعتمادسازی و ثبات» ایران نیز درج شده است. همچنین در متن پیشنهادی کنوانسیون رژیم حقوقی نیز توافق شده؛ لذا کمافی السابق هرگونه شناور در دریای خزر فقط با پرچم کشورهای ساحلی حق حضور در دریای خزر را خواهند داشت.

عدم استفاده از قلمرو یک کشور علیه سایر طرفها: به منظور تضمین امنیت پایدار در خزر ضروری است دولتهای ساحلی به هیچ وجه اجازه ندهند طرفهای ثالث از قلمرو آنها برای تجاوز و یا دیگر اقدامات نظامی - امنیتی علیه کشورهای عضو این موافقتنامه استفاده نمایند. طرفها از هر اقدامی علیه حق حاکمیت و استقلال سیاسی دیگر طرفها خودداری نموده و در قلمرو خود به سایر سازمانها، گروهها، هسته‌های جدایی طلبانه،

دستجات و افراد، امکان فعالیت علیه یکدیگر را نداده و از آنان به هیچ وجه پشتیبانی نخواهند کرد.

محدودیت‌های استفاده نظامی غیر خصمانه از دریای خزر: برخی کشورهای تازه استقلال یافته حاشیه خزر به این اعتقاد هستند که وجود ناوگان مقتدر روسیه بالقوه تهدیدی علیه آنان محسوب می‌شود. برای کاستن از این نگرانی یکی از پیشنهادها مشخص می‌تواند این باشد که تعداد و استعداد نیروهای نظامی موجود در دریای خزر به منظور رفع نگرانیها و پرهیز از رقابت‌های نظامی همواره باید در یک سطح مورد قبول پنج کشور ساحلی و تابع ترتیباتی برای تنظیم و کنترل این محدودیت‌ها باشد. این ترتیبات براساس توافق ۵ جانبه قابل اعمال خواهد بود.

مبارزه با تروریسم: تهدیدات ناشی از انواع تروریسم، آثار و تبعات خود را در عصر جدید نشان داده است. تشریک مساعی کشورهای ساحلی دریای خزر برای مبارزه با تروریسم و مبادله سریع و به موقع و موثر اطلاعات، اسناد و کارشناسی اجتناب ناپذیر خواهد بود.

مبارزه با مواد مخدر: متأسفانه دریای خزر و منطقه پیرامون آن می‌تواند به گذرگاهی برای ترانزیت مواد مخدر و داروهای روانگردان تبدیل گردد. براساس چنین سندی نیروهای انتظامی کشورهای ساحلی خواهند توانست با اقدامات مشترک و دسته جمعی از حمل و نقل و ترانزیت غیرقانونی مواد مخدر جلوگیری و با ایجاد یک مکانیسم موثر بازرسی محموله‌ها و اقدامات گمرکی در مرزهای ساحلی خود، با قاچاق مواد مخدر مبارزه کنند.

مبارزه با جرایم سازمانه یافته: مبارزه انفرادی و یا دستجمعی، علیه جرایم سازمان یافته، گروهها و شبکه‌های آن از دیگر ضرورت‌های کشورهای ساحلی دریای خزر است که می‌تواند بسیار مثمرتر باشد.

سازوکارهای اجرایی و تشکیل کنفرانس امنیت و اعتمادسازی: یکی از راهها و پیشنهادهای مشخص جهت اجرای موثر تفاهات تشکیل «کنفرانس امنیت و اعتمادسازی دریای خزر» می‌تواند باشد. نمایندگان تام‌الاختیار طرفها در این کنفرانس می‌توانند تشریک مساعی کنند و سازوکارهای اجرایی و عملی را تصویب نمایند.

نظارت بر بعضی از فعالیتهای نظامی: تمامی راهکارهای پیشنهادی فوق در صورتی قابل اجرا خواهند بود که یکرشته سیستمهای نظارتی پیش‌بینی و تشکیل شوند و کشورهای ساحلی دریای خزر اقدامات مهم خود نظیر: جابجایی اساسی نیروها در دریای خزر یا بازسازی و نوسازی تجهیزات را به اطلاع طرفهای دیگر برسانند و حتی برنامه سالانه برگزاری مانور یا تمرینهای نظامی خود در دریای خزر را در اختیار سایر طرفها قرار دهند. سیستم نظارتی نیز می‌تواند به این صورت باشد که نمایندگانی از پنج کشور ساحلی بتوانند بصورت دوره‌ای از این نیروها بازدید نمایند.

گفتنی است که علاوه بر ایران، قزاقستان نیز در همین راستا پیشنهاد «پیمان سیاسی ثبات» را ارائه کرده است که حاوی نکات مثبتی می‌باشد. البته جامعیت طرح ایران را ندارد ولی برای آغاز گفتگوها می‌تواند مبنای خوبی باشد. روسیه نیز طرح «کاسفور» را براساس الگوی «Black Sea For» که در حال حاضر در دریای سیاه اعمال می‌شود؛ مطرح کرده است.

در اجلاس روسای جمهور کشورهای ساحلی خزر در تهران، طرف ایرانی پیشنهاد کرد که این طرح‌ها یا تلفیقی از آنها مبنای مذاکرات پنج‌جانبه قرار گیرد. این پیشنهاد با موافقت کلیه کشورها مواجه شد و در این زمینه باکو به عنوان میزبان بعدی پذیرفت که مسؤولیت تدوین پیش‌نویس و پیشنهاد پایه برای مذاکرات آتی را عهده‌دار شود.

یادداشت‌ها

۱. دوران گذر در نظام بین‌الملل همواره با نوعی ابهام، اضطراب و مخاطرات امنیتی در عین حال فرصت‌های فراوان برای توسعه همراه است.
۲. این رژیم حقوقی هر چند ناقص منبث از دو قرارداد «عهدنامه دوستی ایران و دولت جمهوری اتحادی شوروی روسیه» ۲۶ فوریه ۱۹۲۱ و «بازرگانی و بحریسمایی بین ایران و اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی» ۲۵ مارس ۱۹۴۰ و نامه‌های ضمیمه آن می‌باشد.
۳. نباید انتظار نداشت در یکی دو اجلاس معجزه خاصی اتفاق بیفتد و موضوع رژیم حقوقی به سرعت نهایی شود. اصولاً امور مربوط به تحدید حدود آنهم از نوع دریایی بسیار زمان بر می‌باشند. اصولاً ماهیت مذاکرات چندجانبه، خصوصاً در زمینه‌های تحدید حدود، انتظار نیل به توافقات نهایی جامع و تدوین یک رژیم حقوقی در زمانی کوتاه، ناخردانه است. هرگونه نگاه مقطعی و گذرا به مسایل این دریا، در دراز مدت، مشکلات و پیچیدگیهای خاص خود را ایجاد خواهد کرد.
۴. موضوع تولید و انتقال نفت و گاز خزر، علاوه بر کشورهای منطقه برای همه کشورهای جهان اعم از تولید کننده یا مصرف کننده اهمیت دارد و متناسب با حجم تولیدی، اثرات قابل توجهی در بازار جهانی انرژی و قیمت‌ها خواهد داشت. ولی این امر بیش از همه، برای خود کشورهای ساحلی واجد اهمیت است و نقش تولید و انتقال نفت و گاز برای رشد و توسعه، اشتغال و دیگر مسایل سیاسی- اجتماعی کشورهایی مانند جمهوری آذربایجان، ترکمنستان و قزاقستان بسیار چشمگیر است. این نقش در مورد ایران و روسیه کمتر است و وجود منابع بسیار غنی نفت و گاز این دو کشور در دیگر مناطق، باعث شده‌اند که تولید نفت و گاز در خزر برای تهران و مسکو از همان اولیوی که برای سه کشور دیگر برخوردار است، برخوردار نباشد. به عبارت دیگر، درست است که نفت و گاز خزر برای اولین (و روسیه) یک دسر بعد از غذا مسحوب می‌شود. لیکن این مطلب به معنی چشم پوشی از حقوق مسلم و منافع ملی نمی‌گردد.
۵. خزر در طول تاریخ به اسامی مختلف و عمدتاً به اسامی اقوام و مناطق همجوار و ساحلی خود نامیده شده است. نگارنده اعتقاد دارد که ضمن تاکید بر کثرت استعمال نام «خزر» در زبانهای فارسی و ترکی «کاسپین» در انگلیسی و روسیه و «فزوین» در عربی نباید اجازه داد اسامی مشهور و مصطلحی همچون «دریای مازندران» به فراموشی سپرده شوند.
۶. مهمترین مسایلی که در حال حاضر در دستور کار مذاکرات کشورهای ساحلی دریای خزر قرار دارد عبارتند از: کنوانسیون رژیم حقوقی، شیوه‌های تقسیم بستر و زیر بستر، تقسیم و تعیین مناطق دریایی در سطح (شامل آبهای داخلی، دریای سرزمینی، منطقه انحصاری شیلاتی، پهنه آبی مشترک و ...) مسایل نظامی- امنیتی و انتظامی، محیط زیست، حمل و نقل و کشتیرانی، شیلات، ترانزیت آزاد از کانالهای داخلی روسیه و موضوع احداث خطوط لوله از بستر که ایران و روسیه با آن مخالف هستند.

۷. برای آگاهی بیشتر رجوع شود به: «بازی بزرگ در قفقاز و پیامدهای امنیتی آن برای آینده ایران» تألیف جهانگیر کرمی، مجله سیاسی دفاعی: ویژه نامه امنیت در حوزه دریای مازندران، پژوهشکده علوم دفاعی دانشگاه امام حسین (ع)، تهران، سال هشتم، شماره ۲۹-۳۰ زمستان ۱۳۷۸ و بهار ۱۳۷۹.
۸. فصل ۱۱ عهدنامه دوستی ایران و دولت جمهوری اتحادی اشتراکی شوروی روسیه ۱۹۲۱.
۹. ماده ۱۱ قرارداد ۱۹۲۱ و ماده ۱۳ قرارداد ۱۹۴۰ و نامه‌های ضمیمه ۱۹۴۰ در این زمینه هستند.
۱۰. طبق ماده ۳ پیش‌نویس کنوانسیون رژیم حقوقی دریای خزر.
۱۱. این اصول نباید به معنی سلب حق طرفها برای دفاع مشروع از خود طبق منشور ملل متحد تفسیر شود.

